

گسترش
آیین

بودایی

در شرق ایران باستان

فاطمه اصغری



بنام خداوند جان و خرد

**گسترش آیین بودایی
در شرق ایران باستان**

فاطمه اصغری

انتشارات شفيعی

۱۴۰۰

سرشناسه	: اصغری، فاطمه، ۱۳۷۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: گسترش آیین بودایی در شرق ایران باستان / فاطمه اصغری.
مشخصات نشر	: تهران: شفیعی، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۰ ص، ۱۴×۲۱×۵ س.م.
شابک	: 978-622-98236-6-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۱۶۱] - ۱۶۶، همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: بودیسم -- تاریخ
موضوع	: Buddhism -- History
موضوع	: بودیسم -- ایران -- تاریخ
موضوع	: Buddhism -- Iran -- History
رده بندی کنگره	: ۴۰۱۸BQ
رده بندی دیویی	: ۲۹۴/۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۷۲۲۶۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیپا

گسترش آیین بودایی در شرق ایران باستان

فاطمه اصغری

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰

چاپ و صحافی: نقشینه

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

حق چاپ و نشر برای انتشارات شفیعی محفوظ است

انتشارات شفیعی: تهران، میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید، ساختمان اردیبهشت،

شماره ۶۵، طبقه همکف، تلفن: ۶۶۴۹۴۶۵۴

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۲۳۶-۶-۸

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار.....
۱۱	فصل اول: نگاهی به تاریخ پادشاهی هند در دوران باستان.....
۱۲	۱-۱- زندگینامه بودا:.....
۱۸	۱-۲- اصول و عقاید بودا.....
۲۰	۱-۳- مسائل اخلاقی در بودیسم.....
۲۲	۱-۴- مکتب‌های بودایی و فرقه‌های منشعب از آن.....
۲۶	۱-۵- وضعیت هند همزمان با سلسله سلوکیان.....
۳۳	۱-۶- آشوکا.....
۴۸	۱-۷- نفوذ آیین بودایی در ایران شرقی همزمان با سلسله موریان.....
۵۵	۱-۸- سکاها.....
۵۷	۱-۹- سرستون شیر، سندی از فعالیت سکاها در بودایی.....
	 فصل دوم: پادشاهی کوشانیان، اشکانیان و گسترش بودیسم در شرق
۵۹	ایران.....
۶۰	۲-۱- کوشانیان.....
۶۳	۲-۱-۱- صحراگردی.....
۶۳	۲-۱-۲- استقرار در ناحیه آمودریا «باکتریا».....
۶۴	۲-۲- تشکیل امپراتوری کوشانی.....

- ۱-۲-۲- کوجولا کدفیسیس ۶۶
- ۲-۲-۲- کانیشکا ۷۴
- ۳-۲-۲- واسیشکا ۸۲
- ۴-۲-۲- هوویشکا ۸۲
- ۳-۲- گسترش آیین بودایی در دوره کوشانیان: ۹۲
- ۴-۲- اشکانیان ۹۹
- ۵-۲- گندوفار ۱۰۱
- ۶-۲- آن‌چن، شاهزاده‌ای اشکانی ۱۰۲
- ۷-۲- آن‌سیوان، تان‌دی: دو راهب اشکانی ۱۰۴
- ۸-۲- جی‌زان، راهب بلندپایه اشکانی ۱۰۵

فصل سوم: گسترش بودیسم در شرق ایران و تأثیرات متقابل فرهنگی آن

- در مناطق شرقی ایران ۱۰۹
- ۱-۳- ساسانیان ۱۰۹
- ۲-۳- پیروان دینهای دیگر در کتیبه کردیر در کعبه زرتشت ۱۱۳
- ۴-۳- مناطق تحت نفوذ کوشانیان ۱۱۶
- ۴-۳- حوضه تاریم ۱۱۶
- ۵-۳- قوچو ۱۱۹
- ۶-۳- ختن ۱۱۹
- ۷-۳- گندهاره ۱۲۱
- ۸-۳- گسترش آیین بودایی در مناطق شرقی ایران ۱۲۵
- ۱-۷-۳- جاده ابریشم ۱۲۵
- ۲-۷-۳- سفد ۱۳۲
- ۳-۷-۳- نوبهار بلخ ۱۳۸
- ۴-۷-۳- باکتريا «بلخ» ۱۴۳
- ۵-۷-۳- خوارزم ۱۴۶

۱۴۷.....	۳-۷-۶- خراسان
۱۴۸.....	۳-۷-۷- کاپیسا (بگرام)
۱۴۸.....	۳-۷-۸- بامیان
۱۵۰.....	۳-۷-۹- کابل
۱۵۱.....	۳-۷-۱۰- جلال آباد
۱۵۱.....	۳-۷-۱۱- ماتورا
۱۵۳.....	۳-۸- مجسمه های کوشانی یافت شده در معبد مات
۱۵۴.....	۳-۸-۱- مجسمه کانیشکا
۱۵۴.....	۳-۸-۲- مجسمه ویمه
۱۵۷.....	نتیجه گیری
۱۶۱.....	منابع
۱۶۷.....	نمایه

پیشگفتار

آیین بودایی از سنت‌های کهن هندی است که در حدود قرن ششم پ م در شمال هند به وسیله گوتامه بودا بنیان‌گذاری شد. این آیین بر مبنای مجموعه‌ای از اصول فلسفی و اخلاقی استوار است. گسترش این آیین در نواحی مختلف، در زمان حیات بودا صورت گرفت. زمانی که بودا به حقیقت دست پیدا کرد شروع به گسترش آیین خود نمود و چند سده بعد از مرگ بودا، این آیین به نواحی مختلف رسید و تبدیل به مذهب بزرگ جهانی شد.

آیین بودایی در قرن سوم پ م همزمان با سلسله سلوکیان و اشکانیان، به نواحی شرقی ایران وارد شد. در دوره سلوکیان و همزمان با حکومت سلسله موریان در هند، این آیین در سند و ماوراءالنهر رواج یافت. در این دوره، آیین بودایی در نواحی شرقی ایران، بیشتر در مناطقی چون بلخ، بامیان، سفد، آسیای میانه، چین و ختن اشاعه پیدا کرد.

مرحله آغازین گسترش و نفوذ آیین بودایی در نواحی شرقی ایران به دوره آشوکا (۲۷۳-۲۳۲ پ م) امپراتور برجسته سلسله موریان در هند، باز می‌گردد. با گرویدن آشوکا به آیین بودایی، وی این آیین را در سراسر قلمرو خود رسمی اعلام کرد. آشوکا، از پایتخت خود شهر پاتالیپوترا، راهبانی را برای تبلیغ و ترویج آیین بودایی به شرق ایران رهسپار کرد. این اقدام مقارن با حکومت یونانیان باختر بود.

می‌توان گفت در دوره فرمانروایی آشوکا، آیین بودایی بزرگترین سهم را در حیات فکری و فرهنگی ایرانیان در نواحی شرقی و شمال شرقی

ایران داشته است. در واقع مردمان نواحی شرقی ایران اولین گروندگان غیرهندی به آیین بودایی به شمار می‌رفتند که این امر با تلاش بسیار آشوکا و با فرستادن مبلغان، ساختن معابد و استوپاهای^۱ بسیار در نواحی مختلف سرزمین‌های تحت نفوذ خود محقق شد.

از قرن اول میلادی به بعد گروهی از ایرانیان بودایی به چین مهاجرت کردند و در آنجا به تبلیغ آیین بودایی پرداختند. با روی کار آمدن اشکانیان به دلیل آزادی مذهبی در این دوره، تعدادی از شاهزادگان اشکانی به آیین بودایی گرویدند. یکی از متولیان آیین بودایی و مترجم کتب دینی بودایی در چین، شاهزاده‌ای به نام "آن شی کائو"^۲ از خاندان شاهنشاهی اشکانی بود که، در سال ۱۴۸م به شهر "لئویانگ"^۳ مهاجرت کرد و با اقامت بیست ساله‌اش در این شهر به زبان چینی تسلط پیدا نمود و با بنیاد نهادن مکتبی، در رأس مترجمانی قرار گرفت که ۳۹ جلد کتب بودایی را به چینی ترجمه کردند و باعث ترویج آیین بودایی در سراسر چین شدند.

در دوره اشکانیان شاهد ظهور قدرت جدیدی در شرق ایران به نام کوشانیان هستیم. در دوره کوشانیان آیین بودایی رواج بیشتری پیدا کرد به گونه‌ای که از پادشاهان کوشانی در منابع بودایی با عظمت یاد شده است. در این زمان بوداییان هندی که تحت فشار برهمنان هندی بودند، از زیر فشار آن‌ها خارج شد و با حمایت شاهان کوشانی توانستند به امنیت دینی خود دست پیدا کنند. امپراتوری کوشانی و در رأس آن کانیشکا (۱۲۷-۱۵۰م)، بزرگترین و برجسته‌ترین امپراتور این سلسله پس

۱. استوپا Stupa بنای مدور و مرتفع برج مانند مخروطی شکل که قبه نوکداری در رأس آن قرار گرفته است و هر یک از این استوپه‌ها را یکی از مؤمنان به شکرانه انجام عمل خیر یا خدمت مقدسی بنا کرده است و این جزو اعمال صالح و ثواب برای هر فرد است که در طول عمر خود موفق به ساختن یک استوپا شود.

2. An Shi Kao.

3. Leo yang.

از سلسله موریاء، مهم‌ترین نقش را در تبلیغ و ترویج آیین بودایی داشته است. به دلیل اقدامات برجسته وی در زمینه گسترش آیین بودایی، وی را آشوکای دوم نیز نام نهاده‌اند. در طول فرمانروایی کانیشکا قلمرو وی به نهایت گستردگی خود رسید. رواج آیین بودایی در قلمرو شرقی ایران در قرن اول میلادی همزمان با به قدرت رسیدن کانیشکا، آغاز شد. از اقدامات مهم کانیشکا، فرستادن مبلغانی به سراسر نواحی تحت سلطه خود و نواحی آسیای مرکزی و نواحی شرقی ایران بود. با تلاش و کوشش‌های کانیشکا آیین بودایی در سراسر قلمرو تحت نفوذ وی گسترش پیدا کرد.

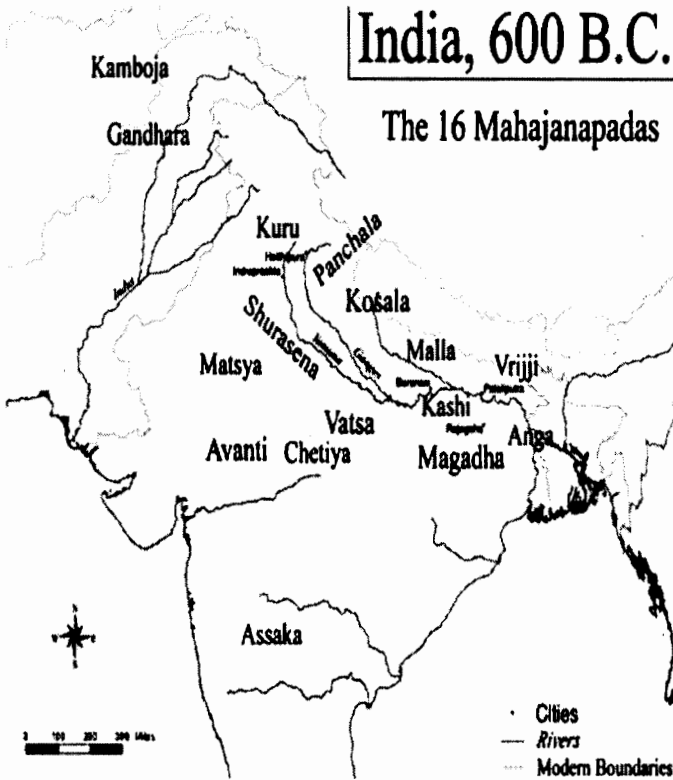
با به قدرت رسیدن ساسانیان بین قرن‌های سوم تا پنجم میلادی و همزمان با به قدرت رسیدن شاپور اول، از قدرت کوشانیان در شرق ایران کاسته شد. کوشانیان توانستند با دادن باج و خراج به پادشاهان ساسانی حکومت خود را تا حدی حفظ کنند. با به قدرت رسیدن کرتیر روحانی برجسته دوره ساسانی، پیروان دین‌های دیگر از جمله بوداییان تحت تعقیب و آزار قرار گرفتند. سخت‌گیری مذهبی در دوره ساسانی بسیار شدت گرفت و تبلیغات بوداییان با مخالفت گسترده‌ای مواجه شد. این سخت‌گیری از زمان بهرام اول شروع و تا زمان نرسی ادامه داشت. کرتیر نیز در کتیبه خود در کعبه زرتشت از سرکوبی شمن‌ها و برهمنان در کنار پیروان دین‌های دیگر سخن گفته است. بوداییان در دوره ساسانی مورد تعقیب قرار گرفتند و بسیاری از معابد آن‌ها ویران شد.

در سال ۴۲۵ میلادی آخرین پادشاه کوشانی به دست هون‌ها تبعید شد. پس از آن ترکان از مناطق سردسیر اورال و سیبری و شمال چین به طرف آسیای مرکزی روانه شدند و با حکومت چین علیه دولت ساسانی متحد شدند و به جنگ با ساسانیان پرداختند. در این زمان در آغاز سده ششم میلادی، بوداییان کابل به دلیل حمله هپتالیان به ایران مهاجرت

کردند، اما هنوز افرادی یافت می‌شدند که بر آیین بودایی باقی مانده بودند. ما از حضور ایشان تا سده‌های نخستین اسلامی در مناطقی از جمله بلخ، بخارا، کابل و قندهار اطلاع داریم.

فصل اول:

نگاهی به تاریخ پادشاهی هند در دوران باستان



File: Ancient India 600 B C – Wikipedia commons.

۱-۱- زندگی‌نامه بودا:

در مورد تاریخ تولد و مرگ بودا بین صاحب‌نظران اختلافات زیادی وجود دارد. بیشتر محققان اروپایی، آمریکایی و هندی معتقدند که بودای تاریخی از حدود ۵۶۳ پ م تا ۴۸۳ پ م زندگی می‌کرده است. برخی دیگر از محققان به ویژه محققان ژاپنی بر این عقیده هستند که بودا، صد سال پس از این تاریخ از حدود سالهای ۴۴۸ تا ۳۶۸ پ م زندگی می‌کرده است. با وجود پژوهش‌های بسیار، محققان بازهم نمی‌توانند زمانی دقیق برای زندگی بودا در نظر بگیرند، اما آنچه مسلم است بودای تاریخی در سده ششم یا پنجم پیش از میلاد در شمال هند زندگی می‌کرده است.

مسئله مهمی که حائز اهمیت است اینکه برخی از محققان آیین بودایی را دین تازه‌ای نمی‌دانند، بودا را مصلحی می‌دانند که مذهب قدیمی را تغییر داده است. شاید به همین دلیل هیچ نوشته تاریخی مربوط به دوران زندگی وی وجود ندارد و سنت شفاهی تا چندین سده بعد از مرگ بودا ادامه داشته است. سنارت^۱ (هندشناس فرانسوی) در کتاب "بررسی افسانه بودا" می‌گوید که:

«بودا افسانه خورشید آسمان است، همان‌گونه که خورشید از تاریکی بیرون می‌آید، بودا هم از میان تصور و خیال متولد می‌شود. از این خدای خیالی یک شخصیت واقعی ساختند. همان‌گونه که خدای خورشید قهرمان بر غفريت آذرخش پیروز می‌شود بودا نیز شیطان مار^۲ را شکست می‌دهد و چرخ دهرمه را به حرکت در می‌آورد و پیروزمندانه در آسمان به گردش می‌پردازد تا سرانجام روزی به پایان می‌رسد و خدای خورشید در تاریکی فرو می‌رود.»^۳

1. Senart

2. Marra

۳. جلال الدین آشتیانی، بودا جستاری در آیین و تعالیم، (تهران: انتشارات، سهامی انتشار،

اما برخی از پژوهشگران از جمله اولدنبرگ معتقدند که بودا واقعیت تاریخی داشته است. روایات متأخر شاخ و برگ‌های زیادی به اوایل زندگی و شکل و شمایل بودا داده‌اند، به طوری که به سختی می‌توان به این روایت اعتماد کرد. با توجه به کتب مذهبی به زبان پالی (هیچ مدرکی در دست نیست که بتوانیم گزارش‌های کانون پالی را کهن‌ترین نظریه‌های آیین بودا بدانیم) و گزارش‌های زندگی آشوکا، اطلاعاتی دربارهٔ زمان زندگی بودا می‌توان ارائه کرد.

سیذارتا گوتامه^۱ فردی از شاهزادگان و اشراف هند در سال ۵۶۳ پیش از میلاد در شهر لومبینی در نپال کنونی به دنیا آمد.^۲ پادشاه سودهدانا^۳ (یکی از سران قبیله شاکیه^۴ از خاندان‌های با نفوذ کشتیه‌ها^۵ یا جنگاوران بود) چون اثرات حمل را در همسرش ماهامایا^۶ دید، بنا بر سنت کهن هندی همسرش را به نزد خانواده‌اش در دوداها^۷ فرستاد. در نیمه‌های راه، کاروان ملکه به بیشه‌زاری به نام لومبینی^۸ در داخل مرز نپال رسیدند و در آنجا اطراق کرده و در همین زمان سیذارتا متولد شد. بعد از تولد بلافاصله به سمت کاپیلاواتهو^۹ حرکت کردند.^{۱۰}

در روز پنجم تولد سیذارتا، پادشاه از برهمن‌هایی برای نامگذاری و پیش‌بینی آینده نوزاد به کاخ دعوت کرد. اسم گوتامه عنوانی بود که قبیله شاکیه بنا بر سنت کهن خانوادگی از اسامی ودایی گرفته بودند. برهمنان

1. Siddhartha Gautama.

2. Mostafa Vaziri. *Buddhism in Iran an Anthropological Approach To Traces And Influences*, Palgrave Macmillan, 2012 p 4.

3. Suddhodana.

4. Śakiya.

5. Kśatriya.

6. Mahamaya.

7. Devadaha.

8. Lumbini.

9. Kapilavatthu.

۱۰. ویل دورانت، تاریخ تمدن (جلد اول، کتاب دوم: مشرق گاهواره تمدن)، ترجمهٔ عسگری پاشایی، ویراستاران: احمد آرام، محمد مصاحب و امیرحسین آریان پور (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۷)، ص ۴۵۰.

پس از دیدن نوزاد نام "سیذارتا" را (به معنی کسی که به هدفش می‌رسد) برای او انتخاب کردند. شاه درباره او با برهمن‌ها مشورت کرد. پیشگویی آنها به این‌گونه بود که آن کودک در آینده یک روحانی برجسته و یا یک پادشاه بزرگ خواهد شد.^۱

ملکه مهامایا در روز هفتم تولد فرزندش از دنیا رفت. خواهر ملکه به نام مهابجپتی^۲ مسئولیت پرستاری از نوزاد را بر عهده گرفت. پادشاه می‌خواست فرزندش در آینده جانشین شایسته‌ای برای او باشد، به همین دلیل فرزندش را از همه امور دنیوی که آدمی را به سوی معنویات می‌راند دور نگاه داشت. بودا در یک محیط ممتاز و نازپرورده نشو و نما یافت. مهارت‌هایی که برای یک فرمانروای غیرمذهبی نیاز بود، به وی آموزش داده شد.^۳ شاهزاده زمانی که ۱۶ سال داشت با دختر دایی خود، به نام "یاسودهارا"^۴ شاهزاده خانم سرزمین کلیاس^۵ ازدواج کرد. ثمره این ازدواج فرزندی به نام راهوله^۶ بود. پادشاه تمام امکانات را برای آسایش و راحتی سیذارتا مهیا کرد.^۷

سیذارتا ذهن جستجوگری داشت و می‌خواست با زندگی واقعی روبه‌رو شود. در سن ۲۹ سالگی در بازدیدی که از شهر داشت برای نخستین بار رنج‌های آدمی را به چهار شکل پیری، بیماری، مرگ و درد مشاهده کرد و از آن زمان بر آن شد که راهی برای نجات موجودات از آن رنج‌ها بیابد.^۸ وی در ۲۹ سالگی در پی جستجوی حقیقت، زندگی

1. Johan Elverskog. *Buddhism and Islam on the Silk Road*, University of Pennsylvania Press, Philadelphia Oxford, 2010 p 12

2. Mahajapati.

3. Piyadassi Tera. *The Buddha, His Life and Teaching*. Buddhist publication Souciety. Sangharaja Mawatha Kandy, Sri Lanka. 1982 p 9.

4. Yashodhara.

5. Koliyas.

6. Rahula.

۷. همان، ص ۱۰-۹.

8. Mostafa Vaziri. *Buddhism in Iran An Anthropological Approach To Traces And Influences*, p 4.

شاهانه، همسر و فرزند خود را رها کرد و به راه افتاد.^۱ در وهله نخست نزد زاهدانی پرآوازه شاگردی کرد اما آموزه‌های آن‌ها را کافی ندانست. زندگی پر از ریاضت، به همراه تحمل گرسنگی طولانی مدت را در پیش گرفت اما پس از شش سال دانست که ریاضت نمی‌تواند راه نجات باشد، به همین دلیل راه ریاضت را رها کرد. سرانجام در شمال هند در منطقه‌ای به نام گیا^۲ در زیر یک درخت به نام بودهی^۳ نشست و با خود عهد بست تا زمانی که به خرد برتر دست نیابد از زیر آن درخت برنخیزد. شروع به تفکر عمیق نمود و مراحل خلسه را طی کرد و به خلوص ذهن دست یافت و پس از ۴۹ روز حقیقت بر او آشکار شد. او پی برد که در جهان عذاب و رنجی وجود دارد که علت آن ذهن و روان انسان است. وی متوجه شد برای پایان دادن به این عذاب راهی وجود دارد که فرد با تلاش و کوشش می‌تواند خود را نجات دهد. سیدارتا در آن شب توانست بعد از شش سال در ۳۵ سالگی به کشف قوانین زندگی، هوشیاری عظیم و حقیقت دست یابد و بودا^۴ (به حقیقت دست یافته) شود. پس از اینکه به حقیقت دست یافت عازم بنارس شد تا یافته‌های خود را برای دیگران بازگو کند. شاگردانش انجمنی تشکیل دادند و روز به روز رهروان وی افزایش پیدا می‌کرد. بودا نیمه دوم زندگی خود را (تا سن هشتاد سالگی) در شمال هند به تعلیم افکار و آیین خویش گذرانید.^۵ به بیان بهتر تبلیغ و گسترش آیین بودایی از زمان زندگی بودا شروع شد و همچنان پس از مرگ وی ادامه پیدا کرد. خانواده سیدارتا به تبلیغ آیین بودایی ادامه دادند و پسرش راهوله و برادرش نیز رهرو شدند. مادرش نیز که بارها از او خواسته بود رهرو

۱. ویل دورانت، تاریخ تمدن (جلد اول، کتاب دوم: مشرق گاهواره تمدن)، ص ۴۵۰.

2. Giya.

3. Buddhi.

4. Buddha.

5. Hazra Kanai Lal. *The Rise and Decline of Buddhism in india*, Munshiram Manoharal Publishers Pvt. Ltd, 1995 p 5.

شود، اجازه کسب کرد که رهرو شود و انجمن زنان رهرو را پایه‌ریزی کند. سنت زندگی راهبانه برای زن‌ها در هندوستان قریب به هزار و پانصد سال یعنی تا آخرین روزهای بودیسم در هند رواج داشت، شکوه و عظمت آن نسبت به دوران قبل کم رنگ تر شده بود. در اواخر این دوران، از تعداد زنان رهرو به شدت کاسته شده بود؛ آنها این امکان را نداشتند که دستورات آیین بودایی را به طور کامل فرا بگیرند و از طرف مردم عادی نیز حمایت نمی‌شدند. دلیل این رکود راهبگی زن‌ها در هندوستان و این که چرا این تعلیمات نتوانست مانند ابعاد دیگر بودیسم به کشورهای بودایی آسیایی گسترش پیدا کند، باید در یک سلسله عوامل مربوط به هم جست و جو کرد. احتمالاً بزرگترین مشکلی که رهروان زن با آن مواجه بودند، دید مردسالارانه آن جامعه و در نتیجه، تعیین جایگاه و وظیفه زن به عنوان خانه دار و عاملی برای زاد و ولد بوده است. این نوع نگرش آن چنان در فرهنگ اجتماعی هندوستان رسوخ داشت که حتی در تعلیمات بودا به راهبه‌ها نیز تأثیر گذاشت. مردم در فرهنگ مرد سالارانه به راحتی می‌پذیرفتند که مردها خانمان خود را ترک کرده رهبانیت پیشه کنند. اما چنین تصویری برای زندگی زن‌ها دشوار بود. مردم در چنین فرهنگ‌هایی از رهروان مردی که به قصد زندگی معنوی خانمان خود را رها کرده بودند، هم حمایت مالی می‌کردند و هم برای آنها شأن و اعتبار قایل بودند. به نظر می‌رسد قوانین هشت گانه ویژه عامل دیگری در رکود سنت راهبه شدن زن‌ها بوده است. طبق این قوانین، رهروان زن حتی اگر سواد و تعلیمات بالایی داشته باشند، در تعلیم و آموزش رهروان مرد مجاز نیستند و این خود عاملی است بر کسر شأن راهبه‌ها. مردم عامی بیشتر ترجیح می‌دادند که نذورات و کمک‌های خود را به رهروان مرد مشهور اعطا کنند تا به رهروان زن گمنام؛ به این ترتیب، راهبه‌ها فقیرتر و از نظر تعلیمات مذهبی بی

اهمیت تر می شدند. باید پذیرفت جامعه ای که چنین جوی در آن حاکم است، دیگر انگیزه هایی برای تازه کارهای مستعد باقی نمی گذارد. اعتقادات اجتماعی هندوستان آن زمان چیزی نبود که به سادگی تغییر پذیر باشد.^۱

همزمان با بودا پادشاه مگده^۲/مگادها، فردی به نام بیمیساره^۳ بود. او قبل از آنکه بودا به روشنایی برسد تقاضای دیدار با وی را کرده بود که با مخالفت بودا مواجه شد. زمانی که بودا به حقیقت دست پیدا کرد و شروع به تبلیغ آیین خویش کرد، بیمیساره حامی بودا شد و خودش نیز آیین بودا را پذیرفت و بودایی شد. پادشاه مگده نقش مهمی در توسعه و گسترش آیین بودایی به سرزمین های اطراف داشت.^۴ زمانی که بودا ۷۲ سال داشت، بیمیساره توسط پسرش اجاتشثرو^۵ به قتل رسید. بعد از مدتی وی از کارش پشیمان شد و به آیین بودایی گروید و شروع به تبلیغ این آیین کرد.^۶

بیمیساره پادشاه مگده، شخصیت متفاوتی داشت. چنانکه از مآخذ بر می آید، وی پادشاهی فعال، مصمم و مدیر بود؛ وی صاحب منصبان و کارگزاران هر آنکه در مصدر امور از شایستگی و لیاقت، در خود نشانی نداشت بی هیچ ملاحظه و التفاتی، مرخص گردانید و دستور داد تا بزرگان و ریش سفیدان روستاها و ولایات به جهت تدبیر امور با وی به شور درآیند. وی بیشتر اهل صلح بود تا مرد جنگ و با کشورهای غرب قلمرو خود روابط خوبی داشت و با آنان و حتی با پادشاه گندهاره که

۱. حسین علی جعفری، زن، خانواده و ازدواج در آیین بودا، فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی، سال چهارم: شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۲ مسلسل ۱۶.

2. Magadha/Magada.

3. Bimbisara.

4. Ibid, p 9.

5. Ajatasatru.

6. Bapat, P.V. *2500 Years of Buddha*. The Publication Division Ministry of Information and Broad Casting Government of India, 1956 P 27

مملکت دوردستی در سند علیا بود، مناسبات دوستانه برقرار کرده بود. یگانه پیروزی‌اش تسخیر کشور کوچک انگه^۱ بود که در مرز بنگال امروزی قرار داشت. چمپا،^۲ پایتخت انگه، در گذشته اهمیت تجاری فراوانی داشت، زیرا بندری بود در کنار رودخانه که کشتی‌ها از آنجا گنگ را به سوی پایین می‌پیمودند و کالاهای تجاری را به سواحل جنوبی هند می‌بردند و در بازگشت جواهرات و ادویه با خود می‌آوردند که در شمال هند آن روز طالبان بسیار داشت. بیمیساره در حدود سال ۴۹۴ پ م یعنی هفت سال پیش از مرگ بودا، معزول و سپس محبوس شد و در نهایت به قتل رسید. به نظر می‌رسد که این دو پادشاه، نخستین شاهان هند بودند که امکان استقرار یک امپراتوری گسترده و پهناور را در نظر داشتند.^۳ بودا سرانجام در سن ۸۰ سالگی در سال ۴۸۳ پ م در کوسیناگرا^۴ درگذشت.^۵

۱-۲- اصول و عقاید بودا

محور آیین بودا بر حقیقت‌جویی استوار است و طالبان حقیقت باید اصول اساسی چهارگانه‌ای را باور داشته باشند و به آن عمل کنند. بودا پس از رسیدن به حقیقت، اصول چهارگانه بودیسم را تبیین کرد. اصول چهارگانه بودا مهم‌ترین و اساسی‌ترین آموزه بودایی است و همه فرقه‌های بودایی به آن باور دارند.^۶

1. Angha

2. Campa.

۳. آرتور لولین بَشم، هند باستان، ترجمه فریدون بدره‌ای و محمود مصاحب (تهران: انتشارات

علمی و فرهنگی، ۱۳۹۴)، ص ۷۱-۷۰.

۴. شهری در نزدیکی نپال کنونی (Kusinagara)

5. Edward Irons. *Encyclopedia Of World Religions, Encyclopedia Of Buddhism*, J. Gordon Melton, Series Editor, 2008 p 40

6. Vaziri, Mostafa, *Buddhism in Iran An Anthropological Approach To Traces And Influences*, p 7.